

مهمترین امانت خدا چیست و خیانت به آن چه پیامدهایی دارد؟

قلب یا روح؛ عزیزترین و مهمترین امانت خدا که نیازمند مراقبت است!

اغلب ما معمولاً نسبت به امانت‌های کوچک و بزرگی که دیگران به ما می‌سپارند حساسیت به خرج می‌دهیم و کاملاً مراقبیم که خدشه‌ای به آن‌ها وارد نشود. اما در نگهداری از مهمترین امانت خدا که اتفاقاً در وجود خودمان به ودیعه نهاده شده، معمولاً دقت زیادی نداریم.

برای مثال آیا تا به حال اجاره‌نشینی را تجربه کرده‌اید؟ اغلب اوقات، اگر خانه شما اجاره‌ای باشد، دائماً به کودک‌تان تذکر می‌دهید که میخ نکوبد، روی دیوارها نقاشی نکشد و مراقب خانه باشد! این همه مراقبت برای چیست؟ چون خانه مال شما نیست و فقط در دست شما امانت است. امانت‌داری برای شما مهم است؛ بنابراین نمی‌خواهید هیچ آسیبی به امانتی که دیگران به شما سپرده‌اند، وارد شود.

بدون شک تمام نعمت‌های خدا در دستان ما امانت‌اند؛ اما مهمترین امانت خدا، قلب یا روح ماست که خداوند آن را در وجود ما به ودیعه نهاده و ما باید آن را سالم به صاحبش برگردانیم. این اصلی‌ترین وظیفه ما در دنیا است.

تمام وظایف ما در دوره‌های مختلف زندگی، یا تغییر می‌کنند یا کلاً از ما برداشته می‌شوند. تنها وظیفه‌ای که در هیچ دوره‌ای از عمر ما نه تغییر می‌کند و نه از ما ساقط می‌شود، مراقبت از قلب‌مان است. هر اندازه که قلب از تغذیه درست و سالم بهره‌مند شود، از بیماری‌ها و آلودگی‌ها خالی‌تر می‌شود و عوامل کمتری قادر به تغییر حالت آن و از بین بردن آرامشش می‌شوند.

برخلاف آنچه که معمولاً تصور می‌کنیم، علت غصه‌ها و ناآرامی‌های ما، شرایط محیطی نیستند؛ بلکه عدم تسلط ما بر قلب است که اوضاع را پیچیده و بغرنج می‌کند. اگر به‌درستی از قلب مراقبت شود، سالم و قدرتمند می‌ماند؛ آن‌وقت دیگر هیچ طوفانی نمی‌تواند او را از جا تکان دهد. در این درس در مورد مهمترین

امانت خدا یعنی قلب و روح انسان و اهمیت مراقبت از آن صحبت می‌کنیم. در ادامه نیز به ذکر مختصری از فاکتورهای سلامت قلب و نشانه‌های یک قلب بیمار می‌پردازیم.

بیماری‌های روحی محصول خیانت به مهمترین امانت خدا

در درس‌های قبل مهمترین امانت خدا را شناختیم و دانستیم که مهم‌ترین بخش وجود ما، فوق عقل یا همان دل ماست که معشوق حقیقی آن کمال مطلق و بی‌نهایت یعنی خداوند است و سایر بخش‌های وجودی از قبیل حس، خیال، وهم و عقل در حکم مقدمه و ورودی‌های بخش فوق عقل هستند. همه ما بدون استثنا حامل نفخه الهی هستیم و این مهمترین امانت خدا در زندگی ماست که باید آن را سالم به صاحبش برگردانیم. در واقع تمام مراتب نفس، امانت خداوند هستند؛ همان‌طور که حس، خیال، وهم و عقل باید به معشوق و غذای مناسب خود برسند، قلب یا فوق عقل ما نیز باید خوراک مناسب خود را دریافت کند. خوراک این بخش نیز ارتباط، انس و خلوت با خداوند است. تمام اختلاف‌ها، انحراف‌ها، غم و غصه‌ها و خیانت‌های مالی، ناموسی، اقتصادی و اجتماعی که در زندگی ما اتفاق می‌افتد، معلول یک چیز است و آن خیانت در حق بعد انسانی و خود حقیقی‌مان است. متأسفانه تمایلات بخش ناخود وجود ما به اندازه‌ای وقت‌مان را می‌گیرد و ذهن ما را مشغول می‌کند که فرصتی برای رسیدگی به خود حقیقی‌مان باقی نمی‌ماند. خیلی از ما دنبال انجام کارهای بزرگیم، می‌خواهیم در جامعه تحول ایجاد کنیم و به دیگران خدمت کنیم؛ اما نوبت به خودمان که می‌رسد عاجز می‌شویم. اغلب ما توانایی مدیریت قلب و روح خودمان را نداریم و این عزیزترین و مهمترین امانت خدا را در فقر و گرسنگی مطلق نگه می‌داریم. به همین دلیل هم هرچقدر تلاش می‌کنیم، بازهم حالمان آن‌طور که باید خوب نیست؛ از صمیم قلب شاد نیستیم؛ آرامش نداریم و نمی‌توانیم در هنگام بحران‌ها تعادل‌مان را حفظ کنیم. تا کسی حرفی به ما می‌زند که باب میل‌مان نیست به هم می‌ریزیم و حال بد ناشی از آن را روزها و ساعت‌ها با خودمان حمل می‌کنیم. همه این‌ها فقط یک دلیل دارد و آن عدم رسیدگی به نیازهای بخش انسانی است.

خود حقیقی ما مثل سایر بخش‌های وجودمان، وقتی غذا نخورد آسیب‌پذیر می‌شود و نمی‌تواند خودش را زنده و سرپا نگه دارد. اما متأسفانه اغلب ما به این موضوع توجهی نداریم و تأمین نیازهای بخش طبیعی و حیوانی برایمان در اولویت است. این بزرگترین خیانتی است که ما در حق خود می‌کنیم. ما روح لطیف‌مان را زیر سُم بخش حیوانی‌مان له می‌کنیم، آن وقت برایمان عجیب است که چرا دائماً غمگین و مضطربیم و چرا حال دلمان اکثر اوقات خوب نیست!

سلامت قلب مهمترین امانت خدا

گفتیم که مهمترین امانت خدا در زندگی ما قلب ماست. اما چگونه می‌توانیم بفهمیم امانتدار خوبی برای این امانت بوده‌ایم، یا خیر؟ مسلماً برای پاسخ به این سؤال باید از وضع سلامتی قلب‌مان مطلع شویم. علامت سلامت قلب یک علامت حقیقی است و با اعتباریات دنیایی مانند کمالات جمادی، گیاهی، حیوانی و حتی عقلی نمی‌توان به سالم بودن قلب دل خوش کرد. برخورداری از مدرک تحصیلی بالا، عالم دینی بودن، حضور در جبهه‌های جهاد، خدمت به دیگران و ... هیچ‌کدام ملاکی برای تشخیص سلامت قلب نیستند. سلامت قلب باید ظهور و بروز بیرونی داشته باشد؛ زیرا هر چیزی که حقیقتاً وجود دارد، منشأ اثر است و ظهورات آن قابل رؤیت است، ظهورات یک قلب سالم نیز شادی، آرامش و عشق به حق تعالی است؛ قلبی که از این سه مؤلفه بی‌بهره باشد، قطعاً مریض است. تشخیص سلامت یا بیماری قلب کار دشواری نیست. هر کدام از ما با توجه به مجموعه انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، افکار و رفتارهای روزانه خود و نیز با توجه به نوع تمایلات و هوس‌های درونی‌مان، دقیقاً می‌توانیم بفهمیم در چه مرتبه‌ای از سلامت قلب هستیم و چه اندوخته‌هایی داریم. مسلماً قلبی که از تغذیه خوب و کافی برخوردار شده باشد، ظهورات سالمی خواهد داشت؛ صاحب این قلب همیشه شاد و آرام است و حوادث

بیرونی هر اندازه هم که سخت و مشکل باشند، نمی‌توانند او را از پای در آورند؛ زیرا او یک قلب مستحکم دارد.

علائم سلامتی مهمترین امانت خدا

اکثر افراد تمایل دارند برای تشخیص مشکلات و بیماری‌های قلب یا روح به روان‌پزشک یا مشاور مراجعه کنند؛ در حالی‌که در بیشتر موارد نیازی به دیگران نیست و ما به راحتی می‌توانیم به مشکلات خود پی ببریم؛ زیرا باطن ما، هر چه که باشد خود را ظهور می‌دهد و مخفی نمی‌ماند.

همه ما می‌توانیم بر مبنای خروجی‌های نفس خویش، خود را کاملاً ارزیابی کنیم و به ضعف‌های باطنی خود پی ببریم. یکی از مهمترین فاکتورهایی که نشان می‌دهد قلب ما سالم است یا بیمار، میزان هوس و اشتیاق ما نسبت به خداوند است. ارتباط با خداوند غذای بعد انسانی وجود ماست و اگر قلب ما این غذا را طلب نکند، یعنی از حالت طبیعی فاصله گرفته و بیمار شده‌ایم؛ درست مثل شخص مریضی که میل به خوردن غذا ندارد.

ما انسان‌ها فطرتاً عاشق بی‌نهایتیم و این حس باعث می‌شود به دنبال مصداق حقیقی بی‌نهایت بگردیم. اگر این مصداق یعنی خداوند را پیدا کنیم و به او متصل شویم، وجودمان آرام می‌گیرد؛ وگرنه از مسیر خود منحرف شده و در بیراهه‌های علم‌پرستی، قدرت‌طلبی، ثروت، شهرت و ... دنبال ارضای تمایل خود می‌گردیم. اما از آنجا که هیچ‌کدام از این کمالات معشوق حقیقی قلب ما نیستند، شادی و آرامشی به ما نمی‌بخشند. دل ما تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد و زمانی که ارتباطش با خدا محدود شود دچار غصه، اضطراب، حسادت، کینه، سوءظن و ترس خواهد شد. ممکن است مشغول شدن با معشوق‌های قلابی مدتی ما را سرگرم کند، اما در نهایت بهره‌ای به جز احساس کمبود و خلأ روانی از این عشقبازی‌ها نخواهیم برد و چیزی به جز حسرت، اندوه و احساس حقارت نصیب‌مان خواهد شد.

در این مقاله دربارهٔ قلب، مهمترین امانت خدا صحبت کردیم و گفتیم که اگر از این امانت الهی درست مراقبت نکنیم و غذای مخصوص و مناسبش را به او نرسانیم، در حقیقت خیانت کرده‌ایم؛ در واقع منشأ اصلی همهٔ گرفتاری‌ها و غم و غصه‌های ما بی‌توجهی و خیانت به قلب است که در دراز مدت، منجر به بروز انواع بیماری‌ها از جمله حسادت، کینه، زودرنجی و عصبانیت خواهد شد.

شما چه قدر مراقب مهمترین امانت خدا در وجودتان هستید و این گوهر گرانبها چگونه محافظت می‌کنید؟ از تجربیات خود در این زمینه برای ما بنویسید.